

Comparing the Cognitive Flexibility, Cognitive Fusion, Cognitive Defusion in Male and Female Divorce Applicants

Ali Isazadegan¹, Sahar Dostalizadeh^{2*}

1. Department of Psychology, Urmia University, Urmia, Iran.

2. Islamic Azad University of Azadshahr, Golestan, Iran.

* Corresponding Author: Sahar dostalizadeh, Tel: +98 9149392963, Email: sahardostalizade@gmail.com

Received: 12 June 2019

Accepted: 25 Aug 2019

Abstract

Background & Aim: Cognitive flexibility and cognitive fusion and cognitive defusion are important and fundamental variables in clinical and diagnostic fields of treatments in the third wave of psychology. This study aimed to compare the cognitive flexibility, cognitive fusion, and cognitive defusion in male and female divorce applicants.

Materials & Methods: This comparative, descriptive-scientific study was performed on male and female divorce applicants, who referred to the Judiciary of Urmia in the fall and winter of 2018 and were introduced to justice-controlled counseling clinics through various branches of the family court. The subjects were screened using the criteria for entering the research. Ultimately, 100 participants (50 females and 50 males) were randomly selected. Data were collected through completing Denis Nederwall's cognitive flexibility inventory and Gillanders' cognitive fusion questionnaire. Data analysis was performed using descriptive statistics and one-way variance.

Results: In this study, there was a significant difference between male and female participants in terms of cognitive flexibility since men showed more flexibility, compared to women ($p < 0.05$). However, no significant difference was found between male and female subjects regarding cognitive fusion and cognitive defusion.

Conclusion: The obtained results can be considered in clinical and therapeutic applications. In addition, cognitive fusion and defusion are important variables in couples' relations. Therefore, our findings can be used to improve marital conflicts.

Keywords: Cognitive Flexibility, Cognitive Fusion, Cognitive Defusion, Divorce

How to cite this article:

Isazadegan A , Dostalizadeh S. Comparing the cognitive flexibility, cognitive fusion, cognitive defusion in male and female divorce applicants. *Scientific Journal of Nursing, Midwifery and Paramedical Faculty*. 2020; 5(4): 15-26.

URL: <http://sjnmp.muk.ac.ir/article-1-258-fa.html>

مقایسه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی و گسلش شناختی در زنان و مردان متقاضی طلاق

علی عیسی‌زادگان^۱، سحر دوستعلیزاده^{۲*}

۱- گروه روانشناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۲- دانشگاه آزاد اسلامی آزاد شهر، گلستان، ایران.

* نویسنده مسئول: سحر دوستعلیزاده، تلفن: ۰۹۱۴۹۳۹۲۹۶۳، ایمیل: sahardostalizade@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی و گسلش شناختی از متغیرهای مهم و اساسی در زمینه‌ی بالینی و تشخیصی در درمان‌های موج سوم روان‌شناسی است. هدف از این پژوهش مقایسه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی و گسلش شناختی در زنان و مردان متقاضی طلاق است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی، علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری، دربرگیرنده‌ی زنان و مردان متقاضی طلاق به دادگستری شهرستان ارومیه هستند که از طریق شعب مختلف دادگاه خانواده به کلینیک‌های مشاوره تحت نظارت دادگستری، در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۷ مراجعه کرده‌اند. آزمودنی‌ها با استفاده از ملاک‌های ورود به پژوهش غربال شدند، سپس ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر زن، ۵۰ نفر مرد) به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند، برای جمع‌آوری داده‌ها همه‌ی آزمودنی‌های پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس ندروال پرسشنامه هم‌جوشی شناختی گیلاندرز را تکمیل کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و واریانس تک راه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین انعطاف‌پذیری شناختی در دو جنس مخالف وجود دارد و مردها نسبت به زنان انعطاف‌پذیری بیشتری دارند ($p < 0/05$). ولی بین متغیر هم‌جوشی و گسلش شناختی میان دو جنس تفاوتی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده را می‌توان در کاربست بالینی و درمانی مورد توجه قرار داده و هم‌جوشی شناختی و گسلش شناختی از متغیرهای مهم در روابط زوجین است که می‌توان برای ارتقا و بهبود تعارضات زناشویی به کار گرفت.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی شناختی، گسلش شناختی، طلاق

مقدمه

زوجین به‌طور قابل‌اعتمادی با رضایت بیشتر آن‌ها همراه است (۴). از سوی دیگر سلامت و شکوفایی خانواده به روابط مناسب زوجین وابسته است. اگر پایه و اساس خانواده به‌اندازه‌ی کافی محکم نباشد سلامت جسمی و روانی خانواده به خطر خواهد افتاد (۵). یکی از عوامل ایجادکننده اختلال و آشفتگی در زندگی انسان‌ها طلاق است (۶). روشن است که سناریوی طلاق یک معرکه ناگهانی نیست، بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است (۷). طلاق علل متعددی دارد. از متغیرهایی که به نظر می‌رسد با این پدیده مرتبط است،

خانواده به لحاظ قدمت ابتدایی‌ترین و به لحاظ اجتماعی جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (۱). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد به تبع آن جامعه از استحکام بیشتری برخوردار است (۲). هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از نهاد خانواده پدید نیامده‌اند (۳). ثبات عاطفی و توافق بالا در بین

انعطاف‌پذیری شناختی در Acceptance Commitment Therapy از طریق شش فرآیند اصلی، پذیرش، گسلش، خود به‌عنوان زمینه، در زمان حال بودن، ارزش‌ها و عمل متعهدانه انجام می‌گیرد (۱۲). متغیرها دومی که در این پژوهش به آن تأکید شده است، همجوشی شناختی است، منظور از همجوشی شناختی این است که فرد طوری تحت تأثیر افکارش قرار می‌گیرد که گویی کاملاً واقعی هستند و موجب می‌شوند رفتار و تجربه بر دیگر منابع تنظیم رفتاری حاکم شوند و فرد نسبت به نتایج مستقیم، حساسیت کمتری پیدا کند (۱۳). همجوشی شناختی از طیف همجوشی زیاد به گسلش شناختی اتفاق می‌افتد. برای مثال: من افسرده‌ام (بسیار همجوش)، من احساس می‌کنم افسرده‌ام (تا حدی همجوش)، من در حال افسرده شدن هستم (کمی همجوش)، من در حال حاضر حسی را تجربه می‌کنم که معمولاً به آن افسردگی اطلاق می‌شود (گسلش شناختی) (۱۴). گسلش شناختی فرآیند تضعیف تدریجی کارکردهای تنظیم رفتاری و تأثیرات لفظی رویدادهای درونی است. بر اساس درمان‌های موج سوم، آسیب روانی از درگیری با تجارب درونی نظیر محتوای افکار (هم‌جوشی شناختی) که به تلاش برای کنترل یا تغییر شکل آن منجر می‌گردد (اجتناب تجربه‌ای) شکل می‌گیرد و این تلاش‌های اجتنابی، اغلب اثرات متناقضی دارند، به‌گونه‌ای که هم موضوعات مورد اجتناب (مثل افکار احساسات یا حس‌های بدنی) را افزایش می‌دهد و هم باکیفیت زندگی تداخل می‌کنند (۱۵).

هیجان‌ات به‌طور گسترده‌تری با افکاری که ناشی از تفاسیر واقعی تجربه‌ها هستند ترکیب می‌شوند و تجربه درونی افراد را غیرقابل تشخیص می‌کنند که این عامل می‌تواند با تأثیر بر رفتار زوجین، مشکلاتی را برای آنان

متغیرهای شناختی است. درمان‌های جدید در روانشناسی که تحت عنوان موج سوم روان‌درمانی از آن یاد می‌شود بر نقش منابع شناختی فرد در رویارویی با عوامل فشارزا تأکید دارد، زیرا از این طریق می‌توان تدابیر درمانی مناسب را برای کمک به فرد تحت فشار فراهم نمود، طبق نظریه‌ی زمینه‌گرایی کارکردی که درمان‌های موج سوم، مبتنی بر آن است، هیچ فکر، احساس و خاطره در ذات خود مشکل‌ساز، ناکارآمد یا آسیب‌زا نیست، بلکه وابسته به زمینه است، در زمینه‌ای که اجتناب تجربه‌ای و همجوشی شناختی را در بردارد، افکار، احساسات و خاطرات ما، کارکردی زهرآگین و آسیب‌زا دارند، اما محیطی که پذیرش و گسلش را در بردارد؛ همان افکار، احساسات و خاطرات کارکرد بسیار متفاوتی دارند، این تجارب درونی شاید دردناک باشند، اما آسیب‌زا و ناکارآمد نیستند مهم‌تر اینکه مانع زندگی ارزشمند ما نمی‌شوند. مراجعین آن دسته از اهداف رفتاری را انتخاب می‌نمایند که بیشترین اهمیت یا ارزش را برای آن‌ها دارد (۸).

تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که ممکن است به علل متنوع و گوناگونی برای زوجین اتفاق بیفتد (۹). طلاق از دیدگاه علمی، در نوع خود بی‌نظیر است، پژوهشگران معتقد هستند که عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه، به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر روابط زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به گرایش به سمت طلاق شوند (۱۰). ازجمله این عوامل که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد انعطاف‌پذیری شناختی و هم‌جوشی شناختی است. انعطاف‌پذیری شناختی، توانایی فرد در انتخاب عملی در بین گزینه‌های مختلف که مناسب‌تر است را افزایش می‌دهد. همچنین توانایی برای ارتباط کامل با زمان حال و تغییر یا حفظ رفتار در خدمت اهداف ارزشمند زندگی است (۱۱).

نشان داد، زوج‌هایی که دارای سطوح بالاتری از باورهای فراشناختی بودند، هم‌بوشی شناختی و تحریف شناختی در آن‌ها پایین‌تر بود (۲۳).

پژوهش‌ها نشان داد بین هم‌بوشی شناختی و کیفیت زندگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، در پژوهشی دیگر که انجام گرفت، نتایج نشان داد بین هم‌بوشی شناختی و افسردگی ارتباط معناداری وجود دارد (۲۵-۲۴).

در مطالعه‌ای معلوم شد که مفهوم آمیختگی اندیشه و کنش دارای دامنه‌ی گسترده‌ای از اختلالات است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کارکرد اجتماعی افراد از جمله زندگی خانوادگی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، همچنین طی تحقیقی دریافتند که تجربه آمیختگی اندیشه و کنش با ناتوانی در عملکرد اجتماعی سالم در ارتباط است (۲۶-۲۷). بررسی رابط بین آمیختگی افکار، رضایت زناشویی و رضایت از زندگی عنوان تحقیقی است که بر روی ۱۶۰ زوج انجام شد و نتایج نشان داد، زوجینی که به میزان بیشتری، آمیختگی افکار را تجربه می‌کنند از رضایت زناشویی و رضایت از زندگی پایین‌تری برخوردار بودند، همچنین در پژوهشی دیگر که بر روی افراد متأهل انجام پذیرفت معلوم شد که بین تجربه‌های آمیختگی اندیشه - کنش و رضایت زناشویی و عملکرد خانواده رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد (۲۸-۲۹). در رابطه با دشواری تنظیم هیجان و رضایت از زناشویی که بر روی ۶۶ زوج انجام گرفت نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که هم در زنان و هم در مردان دشواری در تنظیم شناختی هیجان با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد، هم‌چنین در پژوهشی مشابه، رابطه میان مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان، صمیمیت و رضایت زناشویی که در ۱۹۷ زوج انجام پذیرفت، نتایج معلوم کرد که بین متغیرهای موردپژوهش روابط معناداری وجود دارد به‌گونه‌ای که

به بار بیاورد (۱۶). هم‌بوشی شناختی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد در بافت فکری خود گرفتار می‌شود (۱۷). در نتیجه هیجان‌های فرد روی رفتار وی اثر گذاشته و باعث می‌شوند فرد به‌جای توجه در فرآیند فکر، به تولیدات فکر توجه نماید، زمانی که این فرآیند بر تجربه‌ی هر یک از زوجین غلبه داشته باشد منجر به انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی در بین زوجین می‌شود (۱۸). زوجینی که هم‌بوشی شناختی در آن‌ها بالا باشد بیشتر در باب فکری خود درگیر شده و همین امر باعث نارضایتی زناشویی و تعارضات زناشویی خواهد شد (۱۹). در تحقیقی با عنوان پیش‌بینی امید به زندگی زوجین بر اساس باورهای فرا شناختی و هم‌بوشی شناختی که در شهرستان اردبیل انجام پذیرفت نتایج نشان داد بین باورهای فرا شناختی و هم‌بوشی شناختی با امید به زندگی زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد. در نتیجه می‌توان گفت که متغیرهای فراشناختی در زمره‌ی متغیرهای مرتبط با امید به زندگی زوجین هستند و توانایی پیش‌بینی آن را دارند (۲۰). ارتباط بین تحریف‌های شناختی و سبک‌های استنادی میان زوج‌های متقاضی طلاق و تأثیر آن روی رضایت جنسی عنوان تحقیقی بود که نتایج آن‌ها نشان داد اجزاء شناختی مختلف از عوامل اصلی در رضایت یا نارضایتی جنسی است (۲۱) در پژوهشی که به مقایسه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و آمیختگی اندیشه کنش در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی انجام پذیرفت معلوم شد که زوجین متقاضی طلاق در برخورد با تجربه‌های منفی از راهبردهای منفی و زوجین عادی از راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان استفاده می‌کنند (۲۲).

نقش اعتقاد شناختی، هم‌بوشی شناختی و تحریف شناختی در پیش‌بینی سلامت عمومی زوج‌ها از دیگر تحقیق‌های انجام‌گرفته در کشور است که نتایج آن

نتایج مطالعه دیگری نشان داد، هراندازه انعطاف‌پذیری نگرشی، مسئولیت اجتماعی و تحصیلات نزدیک‌تر بود، می‌توانست پیش‌بینی‌کننده خوبی در تشابهات همسر برای معنای کلامی؛ تسلط بر زبان واژه‌های همسر، عملکرد کارکردی معنای لغوی همسران باشد (۳۶).

با توجه به مطالب ذکرشده و اهمیتی که می‌تواند متغیرهای شناختی در زندگی زوجها داشته باشد و این موضوع که درمان موج سوم در روانشناسی که متغیرهای تحقیق نیز از جمله آن هستند، نیاز به مطالعات وسیع در حوزه‌های مختلف خانوادگی و فردی است، بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که آیا بین مردها و زنان متقاضی طلاق از نظر انعطاف‌پذیری شناختی، همجوشی و گسلش شناختی تفاوت وجود دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی، علی مقایسه‌ای است. جامعه مورد مطالعه کلیه افراد متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به شعب مختلف دادگاه خانواده در سال ۱۳۹۷ و در بازه زمانی پاییز و زمستان بودند که از طریق دادگستری به کلینیک‌های مشاوره‌ی طلاق معرفی شده بودند، با توجه به نوع مطالعه و در نظر گرفتن ملاک‌های ورود، از تعداد کل مراجعین ۱۰۰ فرد متقاضی طلاق به‌طور تصادفی و با روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل سن بالای ۲۰ سال، گذشت حداقل یک سال از زندگی مشترک، میزان تحصیلات حداقل دیپلم، عدم سازش پس از مشاوره‌های طلاق و کسب رضایت جهت شرکت در پژوهش بود. روش اجرا به این صورت بود، ابتدا از معاونت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی استان آذربایجان غربی، شهرستان ارومیه مجوز، اجرای

مهارت‌های تنظیم هیجانی مثبت می‌تواند به‌طور پایا در روابط میان همسران و رضایت زناشویی و صمیمیت بین زوجین مؤثر باشد (۳۱-۳۰).

در تحقیقی که به مقایسه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و بینش شناختی در زنان متقاضی طلاق و عادی انجام گرفته شده است گروه زنان متقاضی طلاق در بیش‌تر طرح‌واره‌ها به‌استثنای طرح‌واره تأثیر جویی، جلب توجه، استحقاق، بزرگ‌منشی با گروه زنان عادی تفاوت داشتند، همچنین در بینش‌های شناختی بین دو گروه در خرده مقیاس اطمینان به خود تفاوت وجود داشت ولی در خرده مقیاس خود اندیشمندی تفاوت معناداری بین دو گروه وجود نداشت (۳۲). درزمینه‌ی متغیر دیگر این پژوهش، مطالعاتی چندی صورت گرفته است که از جمله می‌توان به تحقیقی با عنوان ارتباط بین کمال‌گرایی، نارسیسم و انعطاف‌پذیری با طلاق عاطفی میان زنان شاغل در تهران اشاره کرد که نتایج این تحقیق نشان داد، رابطه منفی بین کمال‌گرایی مثبت و طلاق عاطفی وجود دارد، همچنین یک ارتباط منفی بین انعطاف‌پذیری و طلاق عاطفی وجود دارد (۳۳).

در تحقیقی دیگر که با عنوان مقایسه‌ی افسردگی، اضطراب و انعطاف‌پذیری تشخیص داده شده بین زنان طلاق گرفته و زنان عادی انجام گرفت، نتایج نشان داد که زنان متأهل که در مرحله‌ای از زندگی خود اضطراب سختی را گذرانده‌اند، این تجربه باعث افزایش ضریب افسردگی و کاهش کیفیت زندگی و انعطاف‌پذیری آنها شده است (۳۴). در تحقیقی که به ارتباط اسناد انعطاف‌پذیری و عملکرد در ازدواج زوج‌های آفریقایی-آمریکایی تبار انجام گرفته شد، نتایج معلوم کرد هر چه انعطاف‌پذیری در زوجها بیشتر بود، جنبه‌های پیش‌بینی عملکرد، از جمله رضایت زناشویی، بخشش و سطوح ارتباط بیشتر بود (۳۵).

مارتین و رابین ۰/۷۵ است. در ایران ضرایب اعتبار آزمایشی برای کل مقیاس را ۰/۹۰ به دست آوردند، این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود که شامل سه بعد است: میل به درک موقعیت‌های سخت به‌عنوان موقعیت‌های قابل کنترل، توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انس آن‌ها و توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت (۳۹-۳۷).

به‌منظور رعایت موازین اخلاق پژوهش، پرسشنامه‌ها بی‌نام توضیح شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد، در بخش آمار توصیفی از میانگین، انحراف معیار و توزیع فراوانی برای بیان وضعیت افراد در دو گروه استفاده شد و در سطح استنباطی از واریانس تک راهه استفاده شد.

یافته‌ها

جامعه‌ی آماری تحقیق زوجین متقاضی طلاق بودند که از این تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ مرد، ۵۰ زن) که ملاک‌های ورود به تحقیق را داشتند، انتخاب شدند، ۵۱٪ این نمونه در مقطع تحصیلی دیپلم، ۴٪ در مقطع کاردانی، ۳۷٪ در مقطع کارشناسی، ۶٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۲٪ دارای دکتری حرفه‌ای بودند. همچنین میانگین سال‌های مشترک ۴۷٪ افراد نمونه زیر ۵ سال، ۲۶٪ بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۳٪ بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۹٪ بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۱٪ بالای ۲۰ سال زندگی مشترک را گذرانده بودند. ۴۰٪ از نمونه‌ی تحقیق دارای میانگین سنی ۳۰-۲۰، ۴۳٪ دارای میانگین سنی ۴۰-۳۰ و ۱۵٪ دارای سن بالای ۴۰ سال بودند. اطلاعات ذکر شده و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱ و ۲ آورده شده‌اند.

پژوهش گرفته شد، سپس در مراحل اجرا و بعد از کسب رضایت از افراد متقاضی طلاق و اطمینان دهی در مورد محرمانه ماندن اطلاعات و توضیح در مورد نحوه‌ی تکمیل پرسشنامه از آن‌ها خواسته شد که به پرسش‌نامه‌های مشخصات دموگرافیک (سن، سطح سواد، تعداد سال‌های زندگی مشترک، جنسیت)، پرسشنامه‌ی هم‌جوشی شناختی و پرسشنامه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی پاسخ دهند.

پرسشنامه‌ی هم‌جوشی Gillanders و همکاران دارای دو مؤلفه‌ی هم‌جوشی و گسلش شناختی است که در سال ۲۰۱۰ ساخته شد. در ایران زارع به بررسی اعتبار سازه پرسشنامه ۱۳ سؤالی هم‌جوشی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور پرداخت. با استفاده از روش‌های اکتشافی به استخراج عامل‌ها پرداخته شد. نتایج نشان داد که بار عاملی مربوط به گویه‌ها به‌جز گویه ۱۳ بالاتر از ۵۰٪ است که با توجه به این مطلب گویه‌ی ۱۳ حذف شد. سؤالات پرسشنامه در طیف لیکرت به‌صورت ۷ گزینه‌ای پاسخ داده می‌شود (۱=هرگز، ۲=خیلی به‌ندرت، ۳=به‌ندرت، ۴=برخی اوقات، ۵=اغلب، ۶=تقریباً همیشه، ۷=همیشه).

به‌منظور بررسی اعتبار سازه پرسشنامه، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد، نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد که هم‌جوشی و گسلش دو بعد از پرسشنامه در نمونه‌ی دانشجویان است. ضریب آلفای کرونباخ برای دو خرده مقیاس هم‌جوشی و گسلش شناختی به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۵ به دست آمد.

پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی توسط Denis Nederwall در سال ۲۰۱۰ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال است. اعتبار هم‌زمان این پرسشنامه با پرسشنامه افسردگی بک برابر ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی

جدول ۱: مشخصات عمومی آزمودنی‌ها

متغیر	فرآوانی	درصد
سن	۲۰-۳۰	۴۰٪
	۳۰-۴۰	۴۳٪
	۴۰-۵۰	۹٪
	بالای ۵۰	۲٪
تحصیلات	دیپلم	۵۱٪
	کاردانی	۴٪
	کارشناسی	۳۷٪
	کارشناسی ارشد	۶٪
	دکتری	۱٪
سال‌های زندگی مشترک	زیر ۵ سال	۴۷٪
	۵-۱۰	۲۶٪
	۱۰-۱۵	۱۳٪
	۱۵-۲۰	۹٪
	۲۰-۲۵	۱٪
	بالای ۳۰ سال	۲٪

جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
انعطاف‌پذیری شناختی	۹۸/۴۴	۱۴/۷۸	-۰/۶۱۰	۰/۶۰۳
گسلش شناختی	۱۳/۲۰	۳/۰۴	-۰/۳۴۶	۰/۸۹۶
همجوشی شناختی	۴۳/۰۰	۷/۸۹	۰/۰۵۱	۰/۶۱۷
همجوشی شناختی (کل)	۵۶/۲۰	۸/۸۶	-۰/۱۶۹	۰/۹۵۷

همچنین برای بررسی تفاوت متغیر همجوشی شناختی در مردان و زنان متقاضی طلاق بر اساس تحلیل واریانس انجام شده و مقدار F به دست آمده (۱/۰۳۶، ۰/۲۹۲ و ۰/۶۹۰) بسیار بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشند. به عبارتی بر اساس نتایج زوجین متقاضی طلاق تفاوت قابل توجهی و پیرامون گسلش شناختی، همجوشی شناختی و همجوشی شناختی (کل) وجود نداشت و این تفاوت معنادار نبود.

برای بررسی تفاوت انعطاف‌پذیری شناختی در بین زنان و مردان از آزمون تی مستقل استفاده شد، میانگین و انحراف معیار نمره‌ی انعطاف‌پذیری شناختی در زنان به ترتیب ۹۵/۴۴، ۱۴/۷۴ و در مردان به ترتیب ۱۰۱/۴۴، ۱۴/۳۲ بود. نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که زوجین متقاضی طلاق پیرامون انعطاف‌پذیری شناختی با هم تفاوت معناداری دارند ($p < ۰/۰۵$).

جدول ۳: تحلیل‌های مربوطه جهت بررسی تفاوت میانگین همجوشی شناختی و انعطاف‌پذیری شناختی در مردان و زنان

متغیرها	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مقدار t	تفاوت میانگین‌ها
گسلش شناختی	بین گروهی	۱	۹/۵۷۱	۱/۰۳۶	۰/۳۱۱	-	-
	درون گروه	۹۸	۹/۲۴۰				
	کل	۹۹	۹۱۵/۰۵۴				
همجوشی شناختی	بین گروهی	۱	۱۸/۳۰۳	۰/۲۹۲	۰/۵۹۰	-	-
	درون گروه	۹۸	۶۲/۶۴۷				
	کل	۹۹	۶۱۵۷/۷۴۲				
همجوشی شناختی (کل)	بین گروهی	۱	۵۴/۳۴۵	۰/۶۹۰	۰/۴۰۸	-	-
	درون گروه	۹۸	۷۸/۷۳۸				
	کل	۹۹	۷۷۷۰/۷۰۲				
t مستقل	-	۹۸	-	-	۰/۰۴۲	-۲/۰۶۵	-۶/۰۰۳
انعطاف‌پذیری شناختی	-	-	-	-	-	-	-

تحلیل واریانس تک راهه

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه باهدف مقایسه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی، هم‌جوشی شناختی و گسلش شناختی در زنان و مردان متقاضی طلاق شهرستان ارومیه انجام شد. نتایج نشان داد که در متغیر انعطاف‌پذیری شناختی رابطه معناداری بین گروه مردان با گروه زنان وجود دارد و مردها انعطاف‌پذیری بیشتری را گزارش دادند، درحالی‌که بین هم‌جوشی شناختی و گسلش شناختی بین دو گروه تفاوتی وجود ندارد. در این مورد Hayes معتقد است هیجان‌ناشای به‌طور گسترده با افکاری که ناشی از تفاسیر واقعی تجربه‌ها هستند ترکیب می‌شوند و تجربه درونی افراد را غیرقابل تشخیص می‌کنند؛ که این عامل می‌تواند با تأثیر بر رفتار زوجین مشکلاتی را برای آنان به بار آورد.

انواع تجربه در افراد به تشکیل فرض‌ها یا طرحواره‌هایی درباره خویش و جهان می‌انجامد و این فرض‌ها در سازمان‌دهی ادراک و در کنترل و ارزیابی رفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد، برخی از این فرض‌ها، انعطاف‌ناپذیر، افراطی و مقاوم در برابر تغییرند و در نتیجه ناکارآمد یا ناباور تلقی می‌شوند وقتی فرض‌های ناکارآمد فعال شدند، افکار منفی را برمی‌انگیزند که این افکار ممکن است تفسیرهایی از تجارب جاری باشند یا پیش‌بینی‌هایی درباره‌ی رویدادهای آینده و یا یادآوری چیزهایی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند و در نهایت باعث بروز نشانه‌های رفتاری، انگیزشی شناختی و جسمی افسردگی در افراد می‌شوند (۱۲).

محدودی زمان (۲۰۱۶)، مهبینی (۲۰۱۳)، Muris (۲۰۱۰)، Krenawi (۲۰۰۵)، Lee (۲۰۰۸)، Madathil (۲۰۰۳)، میرگین (۲۰۰۷) و نجفی (۲۰۱۵)، همسو است (۲۰-۲۲، ۲۶-۳۲).

زوجین متقاضی طلاق در برخورد با تجربه‌های منفی از راهبردهای ناسازگار تنظیم شناختی هیجان نظیر (نشخوارگری فکری، مقصر دانستن دیگران، فاجعه سازی و مقصر دانستن خود) استفاده می‌کنند و زوجین عادی از راهبردهای مثبت تنظیم هیجانی نظیر پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، باز ارزیابی مثبت، توجه مجدد که به طرح‌ریزی و رسیدن به یک دورنما استفاده می‌نمایند، در این مورد می‌توان گفت، تفکراتی چون غرق شدن فرد در تفکر درباره‌ی رخداد منفی باعث جدایی فرد از اطرافیان با طرد از سوی آن‌ها و نیز باعث تحریک کینه‌جویی می‌شود، تفکر انتقادی درباره‌ی خود یا مقصر دانستن خود موجب خود ارزشی پایین می‌شود که باعث اختلال در عملکرد اجتماعی می‌شود، متهم کردن و مقصر دانستن دیگران به خاطر وقایعی که احتمالاً خود فرد نیز مقصر است خوشایند کسی نیست و در اکثر مواقع منجر به پرخاشگری که آفتی برای زندگی اجتماعی است و یا تفکراتی نظیر اسفناک یا وحشتناک یا دید اغراق گونه نسبت به یک رویداد که یک تحریف شناختی بوده و با بخشش رابطه منفی دارد (۴۰) با توجه به اینکه یکی از سؤال‌های مطالعه‌ی حاضر بررسی تفاوت انعطاف‌پذیری شناختی بین دو جنس مخالف متقاضی طلاق است و طبق تحقیقات انجام‌گرفته شده قبلی مبنی بر اینکه زن‌های متقاضی طلاق یا در حال تعارض شدید از راهبردهای منفی تنظیم هیجان استفاده می‌نمایند می‌توان نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق را به عدم آشنایی و رشد شناختی زوجها در تنظیم هیجان نسبت داد (۴۲).

با توجه به نتیجه‌ی به‌دست‌آمده و عدم تفاوت معنادار در متغیرهای گسلش و هم‌جوشی را در مردها و زنان متقاضی طلاق را حاصل بی‌تفاوتی شناختی و هیجانی ناشی از خلق پایین و تجربیات کسب‌شده دانست (۴۰) طبق رویکرد هیجان مدار بر اساس نظریه‌ی دل‌بستگی Jonson پریشانی حاصل از جدایی در چهار مرحله ظاهر می‌شود که اولین گام خشم و اعتراض است، در روابط بزرگسالان، خشم شدید می‌تواند مانع از این شود که همسر مورد اعتراض، درد و رنج روانی زیر بنایی حقیقی همسر معترض را بشنود و یا بفهمد، دومین مرحله چسبیدن و دنبال کردن است که این فرد در بزرگسالی خواهان حمایت افراطی از طرف مقابل است، مرحله سوم، افسردگی و ناامیدی تهدید گونه و یا به شکل حس بی‌پناهی از همسر نشان می‌دهد که این شکل دوم می‌تواند اولین نشانه‌ی افسردگی باشد و مرحله آخر گسستگی است که در این مرحله فرد اشتیاق خود را برای برقراری ارتباط از دست می‌دهد و دیگر دنبال ترمیم رابطه نمی‌رود. نیروی حاصل یا پریشانی به‌دست‌آمده از جدایی را نمی‌توان ناچیز برآورد کرد. طبق نظریه‌ی دل‌بستگی مطرح‌شده، این گسستگی باعث عدم تنظیم هیجان و خلق پایین و یا عدم استفاده از راهبردهای مثبت تنظیم هیجان در زوجین می‌شود که می‌تواند منجر به آمیختگی شناختی در هر دو زوج یا بی‌تفاوتی شناختی در آن‌ها می‌شود (۴۱). در زمینه‌ی مقایسه تفاوت بین متغیرهای هم‌جوشی شناختی و گسلش شناختی بین دو جنس تحقیقی چندی صورت نگرفته شده است و بیشتر تحقیقات انجام‌شده، بین دو گروه زوجین عادی و در حال طلاق است و این تحقیقات نشان داده‌اند که هم‌جوشی شناختی و گسلش شناختی دو متغیر مهم برای پیش‌بینی عملکرد ازدواج، رضایت زناشویی، کیفیت زندگی و رضایت جنسی است که این نتایج با تحقیقات، صمدی فرد (۲۰۱۷)،

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به کمبود پیشینه‌ی پژوهش، محدود بودن به زوجین شهرستان ارومیه اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود که برای حفظ اصل تعمیم‌پذیری این پژوهش در شهرهای دیگر نیز انجام پذیرد، همچنین در مراکز مشاوره، کارگاه‌های حین و قبل ازدواج، غلبه بر متغیر همجوشی شناختی آموزش داده شود.

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانیم از معاونت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی استان آذربایجان غربی برای ارائه‌ی مجوز پژوهش، همچنین از مراکز و کلینیک‌های مشاوره‌ی طلاق در شهرستان ارومیه، زوجین شرکت‌کننده و کلیه کسانی که در انجام این امر یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمائیم.

در زمینه‌ی مقایسه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی در زوجین متقاضی طلاق تحقیقات اندکی صورت گرفته است ولی اکثر تحقیق‌ها حاکی است که انعطاف‌پذیری مؤلفه‌ی مهم در شروع و ادامه زندگی مشترک و همچنین در نحوه‌ی انتخاب سبک مقابله‌ای در برخوردهای مختلف است؛ که این نتایج با تحقیقات انجام‌شده از جمله بهرایی (۲۰۱۷)، عرب (۲۰۱۵)، Dreifuss (۲۰۱۰)، سلطانی (۲۰۱۳)، Dinis (۲۰۱۵)، Dennis (۲۰۰۷) همسو است (۳۳-۳۵، ۳۷-۳۹). در مجموع و با توجه به نتایج پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که انعطاف‌پذیری شناختی و همجوشی شناختی از متغیرهای مهم در روابط زوجین است و یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در بهبود روابط زوجین بکار گرفت.

References

1. Khodagarifard M, shahabi R, AkBar. S. Relationship between Religious Attitude and Marital satisfaction in Married students, J Family Research. 2007; 3(10): 611-620. [In Persian].
2. Ezazi SH. Family Sociology, 5 Edition, Tehran: Roshangaran va Motaleate zanan, 2016. [In Persian].
3. Sarokhani B. Introduction to family sociology, 18th edition, Tehran: Sorosh, 2014. [In Persian].
4. Gatman J, Silver N. Translated by Arminagh J, successful failure in marriage, 2 Edition, Tehran: Nasle No Audish, 2008 [In Persian].
5. Naseeri H. Life skills training equid, 1 dition, Tehran: Moavenate omure farhangi va pishgiri sazmane behzisti, 2009. [In Persian].
6. Mirzazade F, Ahmadi KH, Fatehizade M. The effect of excitement therapy on adaptation after divorce. J of family counseling and treatment. 2012; 1(4): 441-460. [In Persian].
7. Hagigi H, Zareei A, Gaderi F. Structural Analysis of psychometric Properties of the conflict Resolution style Questionnaire in Iranian Couples. J of family counseling and treatment. 2012; 1(4): 534-561.
8. Hayes. SC, Luma JB, Bond FW, Masuda A, Lillis J. Acceptance and commitment therapy. J of behavior research and therapy. 2006; 44(1): 1-25.
9. Yong EM, Long L. Counseling and therapy for couples. First edition. New York: International Thomson publishing company; 1998.
10. Amato PR. Research on Divorce: continuing Trends and New Developments. J Marriage and family. 2010; 72: 650-660.
11. Hulbert Williams NJ, Storey L, Wilson KG. psychological intervention for patientients with conter: Psychological flexibility and the potential utility of Acceptanse and commitment therapy. J Cancer Care. 2015; 24(1): 15-27.

12. Hayes, SC. Acceptance and commitment therapy, relational frame theory and the third wave of behavior therapy. *J Behavior therapy*. 2004; 35(4): 639-665.
13. Zare H. Standardization Gillanders cognitive fusion social Scale. *J social Psychology Reserch*. 2014; (15): 17-28.
14. Zare H. The effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy in improving flexibility and cognitive fusion. *J social recognition*. 2017; 11(1): 121-130 [In Persian].
15. Bond FW, Hayes SC, Baer RA, Carpenter KM, Guenole N, Orcutt HK, Waltz T, Zettle RD. Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire-II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior therapy*. 2011 Dec 1;42(4):676-88.
16. Zhang CQ, Leeming E, Smith P, Chung PK, Hagger MS, Hayes SC. Acceptance and commitment therapy for health behavior change: a contextually-driven approach. *Frontiers in psychology*. 2018 Jan 11;8:2350.
17. Gillanders D, Ashleigh K, Margaret M, Kirsten J. Illness Cognitions, cognitive fusion, avoidance and self-compassion as predictors of distress and quality of Life in a heterogeneous sample of adult, after cancer. *J contextual Behave Sci*. 2015; 191: 2066-2073.
18. Baradaran M, Zare H, Alipour A, farzad V. Effectiveness of acceptance and commitment therapy on cognitive fusion and physical health indicators in essential hypertensive patients. *J cognitive psychology*. 2016; 4(1):1-9
19. Bonson W, The role of hope and study skills in predicting test anxiety level of university students high school and psychological health, self-esteem positive thinking and social communication. Ankara: East technical university. 2006.
20. Samadi fard HR. Prediction of life Expectancy of spouses based of Meta-cognitive belief and Cognitive fusion. *J Research in clinical psychology and consultation*. 2017; 6(2): 48-62. [In Persian].
21. Mahdoodizaman M, Razaghi S, Amirsardari L. the Relationship between Interpersonal cognitive Distortions and Attribution styles Among Divorce Applicant couples and its Impact on sexual satisfaction. *J Psychiatry Behave sci*. 2016; 10(3): e5644. [In Persian].
22. Mahini SH, Teymori S, Rahimi S. The comparison of cognitive-emotion Regulation strategies and Thought-Action fusion between Divorce Applicant couples and Normal couples. *J Family Counseling and Treatment*. 2013; 3(3) 356-375. [In Persian].
23. Samadifard HR, Narimani M. The Role of cognitive belief, fusion and Distortion in predicting the Genral Health of couples. *J Community Health Research*. 2017; 6(3): 132-140. [In Persian].
24. Samadifard HR. The relationship between cognitive fusion and depression in spouses. *J Management, Social Studies*. 2016; 3(7): 147-153. [In Persian].
25. Samadifard HR. The relationship between self-compassion and cognitive fusion with quality of life among student. Tehran: international congress of psychology. 2015. [In Persian].
26. Muris P, Meesters C, Rassin E, Merckelbach H, cambell C. Thought-action fusion and anxiety disorder symptoms in normal adolescents. *J Behaviour Research and Therapy*. 2001; 8(39): 843-852.
27. Lee HJ, Telch MJ. Autogenous reactive obsessions and their relationship with Ocd symptoms and schizotypal personality features. *J Anxiety Disorder*. 2005; 19: 793-805.
28. Krenawi A. The relationship between Thought fusion and marital and Life satisfaction in married persons couples. *J Social Psychiatry*. 2010; 58(1): 79-86.
29. Madathil J, Benshoff J. The Relationship between experience Thought-action fusion and family functioning and marital satisfaction in married Individual. *J Marital Family Therapy*. 2008; 11(4): 345-356.

30. Yelsma P, Sherilyn M. An examination of couples' difficulties with cognitive emotion regulation expressiveness and their marital satisfaction. *J family communication*. 2003; 3(1): 41-62.
31. Mirgain SA, Cordova JV. Emotion skills and marital health: The association between observed and self- reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction. *J clinical psychology*. 2007; 26(9): 983-1009.
32. Najafi M, Bitaraf M, Mohamadifar M. The comparison of primary Maladaptive schemas and cognitive Insight between Divorced and Normal Woman. *J Women Society*. 2015; 6(24): 41-58. [In Persian].
33. Bahraie ZH, Tizdast T. The relationship between perfectionism, narcissism and flexibility with emotional divorce among working woman in Tehran. *Jpharmacophore*. 2017; 8(65): e-1173169. [In Persian].
34. Arab MH, Ballad N. Comparison of Depression, Anxiety, recognizable flexibility and quality of life between divorced and ordinary women under the support of Imam Khomeinie committee. *J Psychological. Studies*. 2015; 4(3): 115-127. [Persian].
35. Dreifuss. JA. Attributional flexibility and relationship functioning African- American married couples. PhD. Thesis. uga. 2010.
36. Gruber- baldini AL, Schaie KH, Willis SL. Willis SL. Similarity in married couples: A longitudinal study of mental abilities and rigidity- flexibility. *J Personality Social Psychology*. 1995; 69(1): 191-203.
37. Soltani A, Sharee H, Bahriniyan S, Farmani A. The Role of Interrelationship and cognitive flexibility in Relation to coping styles and Adaptation to Depression. *J Pejouhandeh*. 2013; 18(2): 88-99.
38. Dinis A, Carvalho S, Gouveia JP, Estanqueiro C. Shame memories and depression symptoms: The role of cognitive fusion and experiential avoidance. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*. 2015;15(1):63-86.
39. Dennis JP, Vanderwal JS. The relationship between life events, stress, cognitive. Flexibility, coping and depression: Alongitudinal study. PHD Thesis. Saint Louis University. 2007.
40. Macklem G. Translated by kiani AR. Practitioneres Guide to Emotion Regulation in school- Agead children. Third edition, Tehran: Publisher Arjmand; 2012. [Persian].
41. Jonson S, Valerie E- Translated by bahraief. Attachment processes in couple and family Therapy. Third edition, Tehran: Publisher danjeh; 2018. [In Persian].
42. Hawton K, salkovskis K, kark D. Translated by Ghassemzadeh H. Cognitive Behaviour Therapy for psychiatric problems. Second edition, Tehran: Publisher Arjmand; 2017. [In Persian].